

# هو المشرق من أيق ملكوت البرهان حمد مقدس از ذکر

حضرت بهاء الله

اصلي فارسی



من آثار حضرت بهاء الله - لثانی الحکمة، المجلد 2، لوح رقم (85)،  
الصفحة 171 - 174

## هو المشرق من افق ملكوت البرهان

حمد مقدّس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت محبوبی را لایق و سزاست که بجنود وحی عالم معانی و بیانرا مسخر نمود و بصفوف الهام مطالع اوهامرا در سقر مقرر مقرر فرمود امام سطوت ملوک بکلمه مبارکه «قد اتی المالك ناطق و فوق رؤس علمای ایران بقداقی الرحمن متکلم اعراض احزاب او را از اظهار اسرار منع نمود و ظلم مشرکین او را از ذکر نبأ عظیم باز نداشت جلّت عظمته و جلّت قدرته لا اله غیره یا ایها الشارب ریحقی المختوم اسمع نداء المظلوم الذی ارتفع من شطر السجن فی حصن عکاء قد اتی المالك و الملك لله مولی الوری و ربّ العرش و الثری نامه دیگر شما بتوسط جناب حیدر قبل علی علیه بهائی و عنایتی بساحت اقدس فائز لله الحمد در جمیع احوال بغنی متعال ناظرید و بر خدمت قائم و بثناء ناطق نسل الله ان یویدک و یحفظک و یظهر منک ما یقرّب العباد الی الله مالک یوم المعاد از حق میطلبیم ترا تأیید فرماید و موید نماید تا بعضد ایقان اوهامرا بشکنی لعمر الله انّ المظلوم فی حزن مبین چه که مشاهده میشود فاسقی چند که در عصمت نقطه اولی روح ما سواه فداه خیانت نموده اند حال پیشوای خلقند یا ایها الناظر الی الافق الاعلی هنگام نوحه و ندبه است بگو ایقوم بشنوید وصیّت حق جلّ جلاله را و بقلب طاهر و بصر پاک در آثار الله نظر نمائید آنها تهذیبکم الی صراطه المستقیم و نباء العظیم انّ الاسماء لا تنفعکم و ما ینفعکم انه نزل من ملکوت بیان الله ربّ العالمین بگو بافق اعلی توجه نمائید و از دوش فارغ و آزاد شوید نظر را بلند کنید افق امر امام وجوه مشهود بگو



ORIGINAL

ایقوم بحر بنفسه موج است و آفتاب حقیقت بذاته مشرق و لائح بعدل و انصاف تکلم نمائید آیا راضی میشوید بمثابه حزب قبل باو هام مبتلا گردید هزار و دو بیست سنه و ازید با سما تشبث نمودند و از توحید الهی غافل و بعد از عجز و ابتهال در لیالی و ایام چون نور ظهور از افق اراده حق جل جلاله اشراق نمود علما سبش کردند و بفتوای آن نفوس غافله آنجوهر احدیه را شهید نمودند ذکر و ثنای آنجناب و مواعظ و نصایحش لوجه الله بوده و هست و البته تأثیر خواهد نمود کلمه که لامر الله لسان بآن تکلم مینماید آن بمثابه نیر اعظم است . اگر حال فی الجملة سحاب و غمام حایل شود عنقریب از خلف سحاب بر آید و تجلیاتش عالمرا منور سازد نسل الله ان یحفظک و یویدک و یصلح امورک و ینزل علیک من سماء الفضل ما یجعلک غنیاً بغنائته و منادیا باسمه و ناظرا الی افقه و سامعا ندائه الاحلی فی الصبح و المساء انه هو المقتدر علی ما یشاء و الفرد المهیمن علی ما کان و ما یکون یا حسین علیک بهائی ذکرت در نامه بوده نفوسیکه الیوم از نار بغضا مشتعلند و از نور امر بعید از اصل امر آگاه نبوده و نیستند تابع نفسند و مطیع هوی یتکلمون باهوائهم و لا یشعرون نسل الله ان یبعث هناک من یأخذ الکتاب بقوه من عنده و قدره من لدنه و ینصر اولیائه بسلطان لا تمنعه الجنود و لا تضعفه الصفوف انه علی کل شیء قدیر و بالاجابة جدیر مقبلین لله الحمد در هر مقام و هر محل که موجودند بأم الکتاب متمسکنند و بذیل رحمت الهی متشبث نشهد انهم من المقربین عند الله مالک هذا الیوم البیع البهاء المشرق من افق سماء عنایتی علی من قام علی خدمتی و نطق بثنائی و علیک و علی سَمی بالحسین فی هذا المقام الرفیع .